

## تأثیر متقابل قاعده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای و برجام

عباس کوچ‌نژاد<sup>۱</sup>، مسعود داداش‌نیا کاسمانی<sup>۲\*</sup>، صابر نیاورانی<sup>۳</sup>، حاتم صادقی زبازی<sup>۴</sup>

### چکیده

مسئله اساسی پژوهش حاضر، بررسی تأثیر متقابل قاعده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای و توافق هسته‌ای ایران (برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت ملل متحد) از رهگذر تفسیر و تغییر احتمالی تعهدات این قاعده برای ایران و نظام حقوق بین‌الملل هسته‌ای است. به این منظور، شناسایی و تحلیل تعهدات قاعده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای و ماهیت حقوقی توافق هسته‌ای ایران و سپس تأثیر متقابل این دو متغیر بر یکدیگر مورد نظر قرار گرفته است. با اینکه تعهدات مرتبط با قاعده مذکور در توافق بالمال و بالمره اعمال و تأثیر رویه‌ای آن بر قاعده به‌صراحت انکار شده، لیکن این تأثیر در سه حوزه محسوس بوده است. نخست، در زمینه فنی، با وضع محدودیت‌ها برای غنی‌سازی اورانیوم، آب سنگین و در کل چرخه کامل سوخت هسته‌ای و دوم در حوزه نظام حقوق بین‌الملل هسته‌ای که پذیرش «پروتکل الحاقی»، «کد اصلاحی ۳/۱ از ترتیبات فرعی پادمان» و «نقشه راه مسائل باقیمانده گذشته و حال» از جمله مهم‌ترین آنهاست. حوزه سوم، پذیرش و اجرای تعهدات حقوقی نرم مانند رژیم‌های «گروه عرضه‌کنندگان هسته‌ای»، «کنترل فناوری‌های موشک» و «ابتکار امنیت اشاع» است.

### کلیدواژگان

برجام، حقوق بین‌الملل، قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت، منع گسترش تسلیحات هسته‌ای.

- 
۱. استادیار، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران. Email: akoutch@yahoo.fr
  ۲. دانش‌آموخته دکتری تخصصی حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران (نویسنده مسئول). Email: mdk1356@gmail.com
  ۳. استادیار، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران. Email: sabberniavarni@gmail.com
  ۴. استادیار، دانشکده حقوق، دانشگاه پیام نور مرکزی، تهران. تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۱۸. Email: hatamsadeghi@gmail.com

## مقدمه

بر اهل مذاقه در تحولات بین‌المللی روشن است که به‌استثنای دوره آخر مذاکرات هسته‌ای ایران، شاهین ترازو میان تحلیل‌ها و تفاسیر ناظر بر پرونده هسته‌ای ایران، به‌طور فاحش به‌سوی کفه سیاسی سنگین بوده است، لیکن روند فرجام پرونده و حصول توافق برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) و تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت ملل متحد، حکایت از این واقعیت دارد که در بزنگاه توجه طرف‌های مذاکره به ظرفیت‌های نظام حقوق بین‌الملل دست یافتن به توافق برای جامعه بین‌المللی ممکن شده است.

سیمای کلی مسئله اصلی این مقاله در خصوص دو متغیر و تأثیر آنها بر یکدیگر است. این متغیرها عبارت‌اند از: قاعده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای و توافق هسته‌ای ایران (برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت ملل متحد) که مقرر است، تأثیر متقابل آنها بر یکدیگر احصا شود. در خصوص متغیر نخست، این نکته در مقدمه مفید است که این قاعده در بستر حقوق بین‌الملل هسته‌ای شکل گرفته و سنگ‌بنای آنها در معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای (NPT)<sup>۱</sup> است. به‌علاوه اینکه، قلمرو حقوق و تعهدات آن در مواد ۱، ۲ و ۶ معاهده مذکور بنیان نهاده شده و ضمانت اجرای آن در رابطه با ماده ۳ (موافقت‌نامه‌های پادمان<sup>۲</sup> از جمله پروتکل الحاقی، کد اصلاحی ۳/۱ از ترتیبات فرعی پادمان ...) شکل یافته است.<sup>۳</sup> توافق هسته‌ای ایران (برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت ملل متحد)<sup>۴</sup> به‌عنوان متغیر دوم این مقاله، از منظر حقوق بین‌الملل هسته‌ای، خود یک تابع است، لیکن مورد بحث این است که توافق مذکور در عین حال، نسبت به تحولات حقوقی بین‌المللی هسته‌ای موجد یک رویه بین‌المللی است. از این‌رو، متغیر مؤثری نیز خواهد بود. با وجود اهمیت موضوع، ادبیات حقوقی جامعی و مانعی ناظر بر همه جنبه‌های حقوقی تأثیر توافق هسته‌ای ایران به‌خصوص تحلیل و برآورد تأثیر متقابل قاعده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای و توافق هسته‌ای ایران به قدر ضرورت و کفایت در ایران و در کارهای علمی و پژوهشی معتبر بحث نشده است. به‌علاوه، تا زمان نگارش این مقاله، هیچ منبعی مستقل و قابل رجوعی برای تحلیل حقوقی قاعده منع گسترش تسلیحات

1. Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons.

2. Safeguard Agreement.

۳. ضمانت اجرای قاعده در قالب دسترسی و نظام بین‌المللی راستی‌آزمایی توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعمال می‌شود.

۴. در این مقاله، منظور از عبارت توافق هسته‌ای ایران، هر دو وصف و قالب حقوقی آن مورد بحث است. از یک سو، به‌عنوان برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) در چارچوب توافق میان ایران و گروه کشورهای ۵+۱ و از سوی دیگر، به‌عنوان پیوست «الف» قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت و متأثر از ماهیت حقوقی آن موردنظر است. بنابراین، توافق هسته‌ای ایران همسنگ برجام در نظر گرفته نشده و از منظر هر دو شأن و تأثیرات ناشی از ماهیت حقوقی آنها مورد توجه قرار گرفته است.

هسته‌ای از منظر توافق هسته‌ای ایران (برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت) به زیور طبع آراسته نشده است. از این رو، پرسش اصلی مقاله، احصا و تحلیل تأثیر متقابل قاعده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای و توافق هسته‌ای ایران در نظر گرفته شده است. به منظور ارائه پاسخ متقن به مسئله مذکور، توجه به پرسش‌های پیش‌رو ضروری ظر می‌رسد که حقوق و تعهدات بین‌المللی قاعده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای چیست؟ ماهیت حقوقی و محتوای حقوقی - فنی توافق هسته‌ای ایران (برجام و قطعنامه ۲۲۳۱) در خصوص قاعده مذکور چیست؟ متعاقب شناسایی حدود و ثغور حقوق و تعهدات بین‌المللی هر یک از دو متغیر مذکور، در نهایت، امکان احصا و ارزیابی تأثیر آنها بر یکدیگر در قالب منافع و آسیب‌های حقوق بین‌الملل هسته‌ای قابل درک خواهد بود.

به‌عنوان فرضیه به نظر می‌رسد که تأثیر متقابل قاعده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای و توافق هسته‌ای ایران به افزایش تعهدات کشورهای غیربرخوردار از تسلیحات هسته‌ای از جمله ایران منجر شده است. این در حالی است که امید به تحقق منع گسترش عمودی با یأس ناشی از رد صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری برای رسیدگی دادخواست مجمع‌الجزایر مارشال در سال ۲۰۱۴ در خصوص پرونده‌های خلع سلاح اتمی کشورهای اصلی برخوردار از تسلیحات هسته‌ای روبه‌رو بوده است.<sup>۱</sup> علی‌ای حال، این پژوهش با به‌کارگیری روش تحلیلی - قیاسی در دو قسمت سازماندهی شده است؛ در قسمت نخست به شناسایی تعهدات قاعده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای و تبیین ماهیت حقوقی توافق هسته‌ای ایران پرداخته شده و در قسمت دوم، پیام‌ها و پیامدهای متقابل قاعده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای و توافق هسته‌ای ایران بررسی و تحلیل شده است.

## قاعده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای و توافق هسته‌ای ایران (برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت)

«به اعتقاد ژرژسل، تفسیر و اجرای قاعده، هر چند در عمل، فن و روشی واحد به نظر می‌رسند، از لحاظ منطقی با یکدیگر تفاوت دارند، زیرا برای اجرای هر قاعده حقوق ابتدا باید حد و حدود قاعده را شناخت و سپس آن را بر مورد منطبق کرد. به همین علت هیچ‌گاه نمی‌توان مدعی بود که قاعده‌ای بدون تفسیر به اجرا درآمده است؛ حتی منطوق و مفهوم قاعده روشن باشد» (فلسفی، ۱۳۸۳: ۴۲۸). با این حال، اگرچه قلمرو قاعده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای در مواد ۱، ۲ و ۶ معاهده منع گسترش هسته‌ای (NPT) ترسیم شده او نیازی به اثبات ایجابی وجود

1. Available in: [www.internationallaw.ir/index.php?option...](http://www.internationallaw.ir/index.php?option...)

چنین قاعده‌ای در حقوق بین‌الملل نیست و همچنین لزومی ندارد که با روش‌شناسی برای «به‌دست آوردن ابزارهایی برای اثبات یا تفسیر قاعده حقوقی و یا به‌طور کلی دریافت حقیقت حقوقی آن» مبادرت گردد (ابراهیم‌گل، ۱۳۹۳: ۱۰)، لیکن شناسایی مرز میان حقوق و تعهدات این قاعده از رهگذر تفسیر برای احصای تغییرات ضروری است. مع‌الوصف، در بند ۱ قسمت «الف»، عناصر اصلی تشکیل‌دهنده قاعده کلی تفسیر (حسن‌نیت و سیاق عبارات) جهت تبیین و تفسیر تعهدات قاعده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای تحلیل می‌شود. سپس، در بند ۲، ماهیت حقوقی توافق هسته‌ای ایران (برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت)، بررسی می‌شود.

## قاعده کلی تفسیر و تعهدات قاعده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای

### ۱. اصل حسن‌نیت و تفسیر معاهده منع گسترش هسته‌ای

اصل حسن‌نیت از مؤلفه‌های ضروری هر نظام حقوقی اعم از داخلی و بین‌المللی است. با وجود این، در خصوص تعهد ناشی از حسن‌نیت تفاوت دیدگاه وجود دارد. از جمله این تفاوت‌ها این است که اصل حسن‌نیت به‌عنوان یکی از تعهدات طرفین در کلیه مراحل و فرایند شکل‌گیری تدوین، تصویب، اجرا و به‌خصوص هنگام تفسیر باید مدنظر قرار گیرد، لیکن در رویکرد دیگر، حسن‌نیت را معیار اخلاقی در نظر می‌گیرند و الزام حقوقی به درج آن در معاهدات را ضروری و تعهدآور قلمداد نمی‌کنند. با وجود این، اینک نظام حقوقی بین‌المللی حاکم بر معاهدات بین‌المللی در اجرا (ماده ۲۶ عهدنامه حقوق معاهدات وین ۱۹۶۹) و به‌ویژه در خصوص تفسیر معاهدات (در ماده ۳۱ همین عهدنامه)، اصل حسن‌نیت را مورد پذیرش و شناسایی قرار داده است. «با این حال، هم عهدنامه وین ۱۹۶۹ و هم دیوان بین‌المللی دادگستری در آرای خود برای تشخیص حسن‌نیت در تفسیر معاهدات بین‌المللی، ضابطه‌ای مناسب را ارائه کرده‌اند و آن تفسیر معاهده بر مبنای سه عامل هدف معاهده، معنای معمول کلمات و سیاق عبارات معاهده است. مزیت چنین امری در آن است که دیگر نیاز نیست، برای یافتن مفهوم بسیار مبهم و گنگ حسن‌نیت که تمامی حقوق‌دانان در تعریف آن عاجز مانده‌اند، به نتیجه کار رجوع کرد و اظهار داشت، اگر نتیجه حاصل از معاهده رضایت طرفین را جلب کرده باشد، طرفین حسن‌نیت داشته‌اند در غیراین صورت خیر» (وائقی و کوزه‌گر، ۱۳۹۳: ۱۲۹-۱۲۸). از این‌رو، تأثیر اصل حسن‌نیت به‌طور مجرد، نتیجه ملموسی در جهت تعیین قلمرو قاعده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای به‌دست نمی‌دهد و در رابطه با هدف، معنای معمول کلمات و سیاق عبارات معاهده نتیجه‌بخش خواهد بود. شایان ذکر است، شرط «حسن‌نیت»<sup>۱</sup> که در حقوق بین‌الملل از آن

۱. حسن‌نیت شرط اخلاقی و حقوقی پرکاربرد در اسناد بین‌الملل است که تاکنون در هیچ سندی از آن تعریفی

به‌عنوان اصل یاد می‌شود، واجد سه رکن اساسی مشتمل بر اصل وفای به عهد، لزوم حفظ نظم عمومی و تکلیف اخلاقی است (واثقی و کوزه‌گر، ۱۳۹۳: ۳۸).

## ۲. تعیین سیاق عبارات قاعده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای

منظور از مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده سیاق عبارات در ماده ۳۱ عهدنامه وین ۱۹۶۹، مقدمه یا متن یا ضمیمه است. از این‌رو، کارهای مقدماتی و مباحث مطروحه در مذاکرات و پیرامون آن، جایگاهی در ساختن سیاق عبارات یک قاعده ندارد. چنانچه این مباحث بخواهند تأثیری در شکل‌دهی سیاق یک قاعده داشته باشند، لزوماً باید در قالب عبارات‌های معاهده چه در مقدمه یا متن یا ضمیمه درج شوند. البته چگونگی تأثیر هر عبارت تشکیل‌دهنده سیاق، به موقعیت آن در متن معاهده وابسته است. به عبارت دیگر، چنانچه در مقدمه درج شود، صرفاً ارزش تفسیری (غیرالزام‌آور) می‌یابد و در غیر این صورت (در متن و ضمیمه)، علاوه بر ارزش تفسیری، از وجه تعهداتی و اجرایی نیز برخوردار خواهد بود. با وجود این، ارزش اساسی مقدمه معاهده در این است که معمولاً در آن موضوع و هدف معاهده درج می‌شود و بدون توجه به مقدمه امکان احصا و احراز سیاق عبارات میسر نخواهد بود. در این زمینه، قاعده منع گسترش افقی تسلیحات هسته‌ای با اهمیت یادشده در معاهده منع گسترش هسته‌ای در مواد ۱ و ۲ صورت‌بندی شده است. همان‌گونه که در مفهوم عبارات مواد ۱ و ۲ مذکور آشکار است، قاعده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای در یک جمله چنین قابل تخلیص است که کشورهای برخوردار و غیربرخوردار از تسلیحات هسته‌ای به احتراز مستقیم و غیرمستقیم از گسترش تسلیحات و تجهیزات انفجاری هسته‌ای متعهد<sup>۱</sup> شده‌اند. به هر رو، مجموعه هشت بند از مقدمه معاهده مذکور در کنار مواد ۱، ۲ و ۶ معاهده (خلع‌سلاح)، سیاق عبارت قاعده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای را در شکل عمودی و افقی آن شکل می‌دهد و روشن است، آنچه در مواد یادشده تحت عنوان قاعده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای مدنظر قرار گرفته، ناشی از هدف‌گذاری‌های انجام‌گرفته در مقدمه معاهده است و چنین ارتباط معناداری میان متن و مقدمه معاهده، مقوم و شکل‌دهنده سیاق عبارات در جهت تحلیل مفهومی قاعده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای است. نتیجه قابل اعتنا از توسل به «سیاق عبارات و قاعده کلی تفسیر» مبین این واقعیت است که قاعده منع گسترش تسلیحات با قلمرو روشن آن در معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای به نگارش درآمده است، لیکن ایراد اساسی این است که قلمرو آن با شاخص‌های کیفی و کمی مناسب مشخص

ارائه نشده است. حسن‌نیت از منظر اسناد بین‌المللی تعهدی است که دولت‌های عضو معاهده باید آن را با دقت به اجرا درآورند، درحالی‌که ضمانت اجرای مشخصی برای عدم تعهد وجود ندارد.  
۱. برای هر دو طیف از کشورها واژه Undertake به معنی تعهد به کار رفته است.

نشده و تاکنون قلمرو حقوق و تعهدات آن متأثر از رویه مؤخر کشور عضو در اجلاس‌های بازنگري معاهده و تدوين موافقت‌نامه‌های پادمان از جمله پروتکل الحاقی، ترتیبات فرعی کد اصلاحی ۳/۱ و ... تعريف شده است. مع‌الوصف، به‌کارگیری فن تفسیر در خصوص قاعده به‌تنهایی تمامی قلمرو حقوق و تعهدات کشورهای عضو معاهده مذکور را آشکار نمی‌کند.

## ماهیت حقوقی توافق هسته‌ای ایران (برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت)

در بادی امر ضروری است، منظور از توافق هسته‌ای ایران روشن شود. توافق‌های مقطعی زیادی در نتیجه شاقول بی‌تعادلی میان برساخت‌های علم روابط و حقوق بین‌الملل در خلال سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۵ حاصل شده است. به‌علاوه اینکه در خلال سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵ اسنادی موسوم به «بیانیه ژنو»، «اعلامیه لوزان یا سوییس» برجام، قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت ملل متحد و «نقشه راه همکاری‌ها در خصوص مسائل باقیمانده گذشته و حال» به‌دست آمده است. با وجود این، منظور از توافق هسته‌ای ایران در این مقاله، معطوف به اسناد نهایی مذاکرات گروه کشورهای ۵+۱ و ایران مشتمل بر برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت است. بنابراین، در این قسمت، شناسایی ماهیت حقوقی توافق هسته‌ای ایران و قطعنامه شماره ۲۲۳۱ شورای امنیت ملل متحد در دستور کار است.

### ماهیت حقوقی برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت

به‌منظور احصای تأثیر هر قرارداد بین‌المللی یا سندی مشابه برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت، ضروری است ماهیت آن از حیث حقوقی و الزام‌آوری سنجیده شود. چنین ویژگی هر سندی از رهگذر معیارهای عهدنامه حقوق معاهدات وین (۱۹۶۹) و دلالت‌های سند موردنظر قابل ارزیابی است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

#### ۱. دلالت‌های الزام‌آوری برجام

با نگاهی اجمالی به مؤلفه‌های معرف معاهده وفق تعريف آن در بند ۱ ماده ۲ عهدنامه وین حقوق معاهدات (۱۹۶۹)، روشن می‌شود برجام به‌عنوان متن توافق نهایی ایران و کشورهای ۵+۱ دارای دو وصف بین‌المللی بودن و داشتن تعهد برای دولت ایران و کشورهای عضو آن است (فتاحی ظفرقندی، ۱۳۹۴: ۱۵). در تبیین وصف بین‌المللی برجام باید گفت که نخست، متن نهایی برجام در موارد متعددی به وجود طرف‌های متعهد اشاره می‌کند. برای نمونه، بند

«ک» دیباچهٔ برجام، با اشاره به طرف‌های مذاکره و وجود تعهدات میان طرفین مقرر می‌دارد: «کلیهٔ مفاد و اقدامات مندرج در این برجام صرفاً برای اجرای آن میان گروه ۱+۵ و ایران می‌باشد». بر این اساس، متن برجام دارای وصف بین‌المللی است؛ نکتهٔ دوم اینکه (داشتن تعهد)، متن برجام مورد توافق طرفین مذاکره‌کننده قرار گرفته، موجب تعهدات فراوان دولت ایران و دولت‌ها مقابل در امور هسته‌ای- هرچند داوطلبانه و مدت‌دار شده است. این بند مقرر می‌دارد: «... این برجام بازتاب یک فرایند گام‌به‌گام بوده و مشتمل بر تکالیف متناظر به نحو مندرج در این سند و پیوست‌های آن می‌باشد که قرار است توسط شورای امنیت مورد تأیید قرار گیرد». علاوه بر آن، بند «ح» مقدمه و مقررات عمومی در خصوص وجود تعهد مقرر می‌دارد: «گروه کشورهای ۱+۵ و ایران متعهد می‌شوند که این برجام را با حسن‌نیت در فضایی سازنده، بر مبنای احترام متقابل اجرا نمایند ...»<sup>۱</sup>. نتیجهٔ بحث ماهیت برجام این است که از منظر نگارنده، این سند موجد ویژگی‌های یک قرارداد بین‌المللی و مشمول حقوق بین‌الملل- اگرچه تصریحی در این زمینه وجود ندارد- است<sup>۲</sup>، لیکن اگرچه به فرض، آن را توافق نزاکتی یا سیاسی بین‌المللی تلقی کنیم، دست‌کم تأثیری بر نتیجهٔ تبعی حقوقی آن در بحث تولید رویهٔ بین‌المللی موردنظر ندارد. شایان ذکر است اظهارنظرهای مخالف کشورهای اطراف توافق در خصوص نفی ماهیت حقوقی برجام به‌عنوان قرارداد بین‌المللی از یک سو و مصالح سیاسی و داخلی دولت‌های ایران و آمریکا استدلالاتی را تولید کرده تا برجام صرفاً «موافقت‌نامهٔ سیاسی و نزاکتی» انگاشته شود (ملاکریمی و جلالی، ۱۳۹۶: ۱۸). در این زمینه گفتنی است، بعضاً رویهٔ قضایی بین‌المللی به‌طور مثال، دیوان دائمی داوری لاهه وفق بند ۲ مادهٔ ۱۵ آیین کار خود صلاحیت اجباری برای رسیدگی را براساس مادهٔ ۲۸۶ عهدنامهٔ مودت و همکاری در جنوب شرق آسیا در دعوی میان فیلیپین و چین در خصوص دریای چین جنوبی از میان معیارهای سخت احراز کرده است<sup>۳</sup> یا در وضعیت دیگر دیوان بین‌المللی دادگستری در پذیرش صلاحیت

۱. نظر به اینکه استنادهایی در متن توافق مبتنی بر وجود "تعهد" و "متعهد" وفق اصول و تعریف معاهده (مادهٔ ۲) عهدنامهٔ وین (۱۹۶۹) وجود دارد، استناد به اظهارات طرفین توافق و اسناد توضیحی از جمله S/2015/550 که هنوز تأسیس حقوقی «معارض مستمر» را ایجاد نکرده‌اند، وجه و اتقانی نخواهد داشت. با وجود این، سند مذکور به‌عنوان سند منتشرهٔ شورای امنیت ضمن پیوست بیانیهٔ ج.ا.ایران (بند ۵) تصریح دارد، ایران به‌طور داوطلبانه به اجرای با حسن‌نیت برجام متعهد است. به‌علاوه، اظهارات اعضای دائم شورای امنیت در جلسهٔ شمارهٔ ۷۴۸۸ در هنگام تصویب قطعنامهٔ ۲۲۳۱ و همچنین رویهٔ معوق و عملی این کشورها بر عدم تصویب برجام در قوانین داخلی کشورها دلالت دارد.

۲. دکتر ضیایی بیگدلی استاد حقوق بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی در خصوص ماهیت برنامهٔ اقدام مشترک موسوم به توافق موقت ژنو اعتقاد بر معاهده بودن آن دارد. برای اطلاع بیشتر ر.ک: [www.shafaqna.com/persian](http://www.shafaqna.com/persian).

۳. براساس مادهٔ ۱۰۸ رأی دیوان، سه حالت برای حل و فصل اختلافات ناشی از تفسیر و اعمال عهدنامه در بخش

خود به واسطه عهدنامه مودت (۱۹۵۵) در شرایط سخت تخاصم میان ایران و آمریکا در پرونده سکوه‌های نفتی معیار تفسیری سهل‌تری را به کار گرفته است. به علاوه، زمان داری (محدودیت زمانی) یا داوطلبانه بودن یک توافق و حتی جنبه اعتمادساز داشتن هر توافقی، تأثیری بر ماهیت حقوقی آن ندارد. به ویژه اینکه معاهده منع گسترش هسته‌ای از سال ۱۹۷۰ تا سال ۱۹۹۵ از محدودیت زمانی ۲۵ ساله برخوردار است. همچنین اساس هر توافق بین‌المللی تراضی و داوطلبانه بودن آن است. زمان‌بندهای مختلف در اجرای تعهدات طرفین در توافق هسته‌ای ایران برابر با رفتار عملی و معوق طرفین در مقاطع پیش‌بینی شده، موجد تأثیر نیز خواهد بود.

## ۲. منابع الزام‌آوری قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت

یکی از بخش‌های اصلی متن قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت ملل متحد ضمیمه «الف» یا برجام است. این قطعنامه با اجماع همه اعضای شورای امنیت و در چارچوب تصمیم شاخص‌ترین سازمان بین‌المللی (ملل متحد) تصویب شده و از ماهیت حقوقی مستقل نسبت به برجام برخوردار است. به این ترتیب، حقوق و تکالیف متمایزی از برجام نسبت به کشورهای عضو ملل متحد ایجاد کرده است. از خصوصیات شکلی این قطعنامه این است که به سیاق تمامی قطعنامه‌های شورای امنیت و سازمان ملل از یک بخش مقدماتی و پس از آن در قالب ۳۰ ماده به اتخاذ تصمیم وفق ماده ۲۵ منشور ملل پرداخته است. علاوه بر این، قطعنامه مذکور مشتمل بر دو ضمیمه است که ضمیمه «الف» آن متن توافق برجام و ضمیمه «ب» آن بیانیه کشورهای ۵+۱ است. شایان توجه است تعهد به اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت به ویژه قطعنامه‌های فصل هفتمی آن به واسطه تصویب آن وفق منشور ملل متحد است. با وجود این، حداقل دو رویکرد متعارض هنگام تبیین ماهیت حقوقی یک قطعنامه شورای امنیت مانند ۲۲۳۱ مطرح نظر قرار می‌گیرد. رویکرد نخست بر تفسیر ماده ۲۵ منشور ملل متحد استوار است که از قضا در متن قطعنامه ۲۲۳۱ به همین ماده استناد شده است. در این ماده آمده است که «اعضای ملل متحد تصمیم‌های شورای امنیت را طبق منشور قبول و اجرا می‌نمایند». لذا برخی تفسیرها ناظر بر این مفهوم است که چنانچه تصمیم شورای امنیت وفق منشور اتخاذ شود، لازم‌الاجراست. در اینجا منظور از اینکه تصمیم شورای امنیت وفق منشور باشد، به این مقصود است که اقدامات شورای امنیت برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی باید بر طبق اصول

۱۵ و به ویژه ماده ۲۸۶ پیش‌بینی شده است. در قسمت نخست به مذاکره و سایر وسایل مسالمت‌آمیز متوسل شده و در قسمت دوم به روش صلاحیت اجباری و در راه حل سوم با ذکر استثنای عدم شمول دیوان، صلاحیت اجباری، برگزیده شد. در نهایت دیوان ماده ۲۸۶ را از قسمت اخیر عهدنامه مستند پذیرش صلاحیت خود قرار داد. <https://www.pcacases.com/web/view/>

عدالت و حقوق بین‌الملل اتخاذ شود (موسی‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۱۲). مع‌الوصف، برخی چنین نگاه مضیقی را شرط قبول و اجرای قطعنامه شورای امنیت می‌انگارند و به این ترتیب هر تصمیمی از سوی شورای امنیت را حتی اگر مطابق با فصل هفتم منشور ملل متحد اتخاذ شده باشد، لازم‌الاجرا قلمداد نمی‌کنند. در این زمینه هانس کلسن حقوقدان بزرگ پوزیتیویست‌ها و مبدع نظریهٔ هنجارگرایی اعتقاد دارد: «دشوار است که بپذیریم، منشور به شورا مسئولیت حفظ صلح و امنیت را از طریق هر ابزاری که آن را صحیح تشخیص می‌دهد، اعطاء نموده باشد» (وجدی، ۱۳۹۲: ۸۶). رویکرد دوم همان رویهٔ عملی و واقعی شورای امنیت (وجدی، ۱۳۹۲: ۸۹)، متأثر از تفسیری از مادهٔ ۲۵ منشور ملل متحد است که مبتنی بر مصلحت‌اندیشی و اقتدار کشورهای عضو دائم شورای امنیت است. در عمل، این تفسیر غالب از اعتبار تصمیم‌های شورای امنیت دفاع می‌کند و تصمیم‌های آن را به منصفهٔ ظهور و عمل درمی‌آورد. در این زمینه، در مقدمهٔ قطعنامهٔ ۲۲۳۱ به این رویکرد عمل‌گرایانه تأکید شده است که، «... دولت‌های عضو براساس مادهٔ ۲۵ منشور ملل متحد مکلف هستند، تصمیم‌های شورای امنیت را قبول و اجرا نمایند». از این‌رو، امروزه در عمل، تصمیم‌های شورای امنیت چنانچه وفق مواد ۴۱ و ۴۲ فصل هفتم منشور باشد، لازم‌الاجرا و لازم‌الاتباع تلقی می‌شود.<sup>۱</sup> از این‌رو، این قطعنامه از ماهیت الزام‌آور برای ایران و کلیه کشورهای عضو منشور ملل متحد برخوردار است. بنابراین، برجام- ولو اینکه توافق نزاکتی سیاسی باشد- و قطعنامهٔ شمارهٔ ۲۲۳۱ با ماهیت‌های مستقل به ترتیب از ماهیت و تأثیر و پیامد حقوقی الزام‌آور برای کشورهای عضو (ایران و کشورهای ۵+۱) و جامعهٔ بین‌المللی برخوردارند.

### تعامل متقابل حقوق هسته‌ای و توافق هسته‌ای ایران

نظام حقوق بین‌الملل هسته‌ای با در نظر داشت تعهدات مواد ۱، ۲ و ۶ معاهدهٔ منع گسترش هسته‌ای، سنگ‌بنای قاعدهٔ منع گسترش تسلیحات هسته‌ای را پی‌ریزی کرده، لیکن با ترتیبات مقرر در مادهٔ سه ۳ به تضمین تعهدات کشورهای عضو به قاعدهٔ مذکور به‌واسطهٔ موافقت‌نامه‌های پادمان از جمله پادمان‌های دوجانبه، پروتکل الحاقی، ترتیبات فرعی کد اصلاحی ۳/۱ و ... پرداخته است. در اینجا به شرح و بسط شاخص‌ها و مقررات مربوط به نظام بین‌المللی راستی‌آزمایی و پذیرش حقوق و محدودیت‌هایی توافق هسته‌ای ایران توجه می‌شود تا با تفسیر و تغییر احتمالی حقوق و تعهدات قاعدهٔ مورد بحث به نمایش درآید. در این قسمت به رابطهٔ معنادار و تأثیر متقابل آنها (قاعده و توافق هسته‌ای ایران) نیز توجه شده است. این قسمت مشتمل بر دو بند به ترتیب، احصای تأثیر قاعده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای بر

۱. مادهٔ ۱۰۳ منشور ملل متحد نیز مقوم همین نگرش عمل‌گرایانه است.

توافق هسته‌ای ایران و همچنین تأثیر متقابل آنهاست. به علاوه، منافع و محدودیت‌های آن برای ایران و جامعه بین‌المللی احصا و تبیین می‌شود.

### ۱. منع گسترش تسلیحات هسته‌ای در گذرگاه برجام و قطعنامه ۲۲۳۱

با اعلان به نتیجه‌گیری قسمت نخست، احصای تحول ناشی از قلمرو حقوق و تعهدات قاعده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای در خلال برجام و قطعنامه شماره ۲۲۳۱ شورای امنیت مورد توجه است. در این زمینه، گزینش شاخص‌های مؤثر بر حقوق و تعهدات قاعده به‌ویژه اسناد مؤسس سازوکار راستی‌آزمایی مذکور، امری ناگزیر در جهت احصای این تحول است.

### ۲. برجام و تحول حقوق و تعهدات قاعده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای

اگرچه به‌دفعات در بخش دیباچه، مقدمه و مقررات کلی برجام، به اصول و مفاهیم کلی مرتبط با قاعده اشاره شده، لیکن بنا به روایت متن برجام، حقوق، محدودیت یا تعهدی برای ایران و کشورهای ثالث، فراتر از اصول حقوق بین‌الملل هسته‌ای و از جمله در قلمرو قاعده موصوف، در نظر گرفته نشده است. از حیث نمونه (بندهای ۷ و ۱۱) مقدمه و مقررات عمومی در برجام چنین تبیین شده است که: «گروه ۱+۵ و ایران اذعان می‌نمایند که معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای کماکان مبنای اساسی رژیم عدم گسترش تسلیحات هسته‌ای و ... است» و در بند دیگر آمده است که: «کلیه مفاد و اقدامات مندرج در این برجام ... نمی‌بایست به‌منزله ایجاد رویه برای هیچ دولت دیگری، یا برای اصول بنیادین حقوق بین‌الملل و حقوق و تعهدات وفق معاهده منع گسترش هسته‌ای و سایر اسناد مربوطه، و همچنین اصول و رویه‌های شناخته‌شده بین‌المللی تلقی گردد». در مجموع، مفهوم عبارت‌های کلیدی مذکور این است که اصول بنیادین حقوق بین‌الملل و حقوق و تعهدات کشورهای عضو وفق معاهده منع گسترش هسته‌ای تغییر نیافته است. با وجود این، روشن است که متن برجام شاخص‌های مؤثر بر قلمرو قاعده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای را به‌گونه‌ای تبیین کرده که متضمن تفسیر در قلمرو حقوق و تعهدات قاعده بوده است. پاره‌ای از این تفاسیر با مشخصات پیش‌رو در برجام به این شرح توصیف شده‌اند: در دیباچه، مقدمه و مقررات عمومی برجام با پنج جمله کلی و جداگانه، قاعده مذکور صرفاً یادآوری شده و از ورود به جزئیات و تبیین شاخص‌های آن پرهیز شده است. در متن برجام شاخص‌های راهنما مبین قلمرو حقوق و تعهدات قاعده مذکور برای ایران در نظر گرفته شده که مهم‌ترین آنها، حقوق و تعهدات مربوط به ظرفیت غنی‌سازی اورانیوم ایران مشتمل بر ۵۰۶۰ سانتریفیوژهای IR-1 و فقط در سایت نطنز برای ده سال و در سطح ۳/۶۷ تا وزن ۳۰۰ کیلوگرم است. در خصوص آینده تحقیق و توسعه غنی‌سازی و به‌کارگیری ماشین‌های

جدید IR-4، IR-5، IR-6 و IR-8 در محدوده زمانی ۱۵ ساله منظور شده است. در ضمن، تحقیق و توسعه غنی‌سازی با سایر روش‌های جداسازی ایزوتوپ (غنی‌سازی) از جمله لیزری در محدوده زمانی گفته‌شده، به‌طور کلی ممنوع است. در سایت فردو قم، غنی‌سازی صورت نخواهد گرفت و صرفاً ۱۰۴۴ ماشین سانتریفیوژ IR-1، بدون تزریق گاز مورد نیاز، روشن باقی خواهد ماند.<sup>۱</sup> شایان ذکر است در این توافق، برنامه غنی‌سازی ایران با مشخصات روشن فنی و حقوقی گفته‌شده، به‌عنوان شاخص‌ترین حق استیفاشده در حوزه قاعده کاربرد صلح‌آمیز هسته‌ای و در عین حال، مقوم استقرار قاعده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای تفسیر و تعیین تکلیف شده است.

از دیگر شاخص‌های مؤثر بر قلمرو حقوق و تعهدات قاعده، کاربری راکتور تحقیقاتی آب سنگین اراک بوده است.<sup>۲</sup> از ویژگی‌های منحصر به فرد فرایند تولید آب سنگین، تولید پلوتونیوم با غنای مناسب برای تولید تسلیحات هسته‌ای است که به‌مراتب شدت انفجار آن از اورانیوم غنی‌شده، بیشتر است.<sup>۳</sup> خلاصه اینکه، ایران موافقت کرد همه سوخت مصرف‌شده در اراک به مدت ۱۵ سال و کلیه راکتورهای هسته‌ای تحقیقاتی و قدرتی فعلی و آینده برای پسمانداری یا اقدامات بعدی برای تمامی دوره عمر راکتور به خارج از ایران منتقل خواهد شد. هدف از بازطراحی و مدرن‌سازی راکتور تحقیقاتی اراک این است که تولید پلوتونیوم در کمترین مقدار ممکن باشد و در شرایط نرمال پلوتونیوم با قابلیت ساخت سلاح اتمی تولید نشود. به‌علاوه اینکه ایران توافق‌های پادمانی از جمله پروتکل الحاقی و ترتیبات فرعی کد اصلاحی ۳/۱<sup>۴</sup> و همچنین پذیرش تعهدات گروه عرضه‌کنندگان هسته‌ای در قالب برجام و به‌طور کلی دسترسی‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به کلیه فرایندهای برنامه هسته‌ای از

۱. اگرچه مشخصات اقدامات مرتبط با هسته‌ای در پیوست اول برجام (ظرفیت غنی‌سازی بند F مواد ۳۱-۲۷، توسعه و تحقیقات سانتریفیوژها بند G مواد ۴۳-۳۲ و سایت سوخت غنی‌سازی فردو بند H مواد ۵۱-۴۴) به تفصیل آمده، برخی حقوق و محدودیت‌ها در چارچوب همکاری غیرنظامی هسته‌ای (پیوست ۳ برجام) و تصمیم‌های قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت نیز به‌منظور ایجاد تضمین در شکل‌گیری همکاری‌های هسته‌ای تبیین شده است.

۲. مشخصات اقدامات مرتبط با هسته‌ای در پیوست اول برجام در موضوع راکتور تحقیقاتی آب سنگین اراک در بند B مواد ۱۳-۲، سایت تولید آب سنگین بند C مواد ۱۵-۱۴ درج شده است.

۳. پلوتونیوم از سوخت مصرف‌شده در جریان تولید آب سنگین قابل استحصال است که عنصر بارزش تسلیحاتی و غیرتسلیحاتی محسوب می‌شود.

۴. در این مقاله، بنابر تحلیل دامنه تعهدات پروتکل الحاقی و کد اصلاحی جدید از ترتیبات فرعی منظور نویسندگان نبوده، کما اینکه پذیرش داوطلبانه این تعهدات در چارچوب تراضی مشروط طرفین صورت گرفته است. استدلال و استناد نویسندگان به این اسناد از حیث امتیازی است که در موازنه با اقدامات و همکاری هسته‌ای ایران با گروه کشورهای ۵+۱ مورد تبادل قرار گرفته و تأثیری که بر قلمرو حقوق و تعهدات قاعده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای گذشته است. برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد ماهیت و حدود و ثغور تعهدات پادمانی اسناد مذکور ر.ک: سادات میدانی، ۱۳۹۵، به نشانی:

معدن کاری و اکتشاف اورانیوم طبیعی، تغلیظ و غنی سازی آن تا پسمانداری سوخت مصرف شده و مواد پرتوزا را توافق کرده است. در واقع، این شاخص‌های مبین قلمرو حقوق و تعهدات منع گسترش تسلیحات هسته‌ای برای نخستین نوبه در برجام در حالی تعیین شد که گسترش تسلیحات هسته‌ای در خلال مواد ۱ و ۲ معاهده منع گسترش هسته‌ای به‌طور صریح و مطلق منع شده بود و با وضع مبهم مذکور در نه دوره کنفرانس بازنگری معاهده منع گسترش هسته‌ای بلاتکلیف رها شده بود. مع الوصف، برجام برای نخستین نوبت، ابداع در تعیین شاخص‌ها و تعریف مؤلفه‌های اساسی تشکیل دهنده قاعده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای و تحول در تفسیر حقوق و تعهدات کشور عضو معاهده مذکور از جمله ایران را انجام داده است. شایان ذکر است آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شورای امنیت (با تصویب قطعنامه به اتفاق آرا)، ابداع در تفسیر مذکور را تأیید کرده‌اند. به هر حال، هر قاعده حقوقی در معرض تأثیر توافق مؤخر با عنوان «توافق حقوقی خاص» (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۸: ۱۵۹) (مانند برجام) قرار دارد که توافق ایران از این حیث نیز قابل ارزیابی است.

## قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت؛ تأیید تحول منع گسترش تسلیحات

### هسته‌ای

بند ۱ قطعنامه به خاستگاه قاعده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای (مواد ۱ و ۲) در معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای تأکید دارد. به‌علاوه در مقدمه آن بر نقش اساسی و مستقل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در راستی‌آزمایی تأکید شده و پیروی از توافقات پادمانی که مجری آنها آژانس است، به‌عنوان بخشی اساسی و بنیادین از قاعده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای قلمداد شده است. عمده مباحثی که در خصوص قاعده مذکور در متن قطعنامه به آن اشاره شده، ناظر بر تأیید سازوکارهای بهره‌برداری از حقوق و تکالیفی است که در برجام درج شده است. از جمله اینکه ایران می‌تواند مشروط به تصویب شورای امنیت و کمیسیون مشترک برجام از طریق کانال خرید با مجوز قبلی و تک‌تک اقدام‌هایی از جمله تأمین، فروش و انتقال مستقیم یا غیرمستقیم تمامی اقلام، مواد، تجهیزات، کالاها و فناوری‌های برشمرده شده در سند INFCIRC/254/Rev.12/Part1 و نیز در سند INFCIRC/254/Rev.9/Part2 (یا جدیدترین نسخه از اسناد، همان‌طور که توسط شورای امنیت بروز شده است) و همچنین هر گونه اقلام بیشتر در صورتی که کشور فروشنده تصمیم بگیرد، که با برجام مغایر نباشد، استفاده کند. این اسناد از جمله اسناد دوگانه گروه عرضه‌کنندگان هسته‌ای است. به‌علاوه اینکه، تفسیر بدیعی که در برجام از قاعده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای و شاخص‌های مؤثر آن به‌طور کیفی و کمی ارائه شد، در قطعنامه شورای امنیت و با استناد به مواد ۲۵ و ۴۱ منشور ملل متحد مورد تأیید

و تنفیذ قرار گرفته است. با توجه به اینکه پیوست «الف» قطعنامه (۲۲۳۱) همان متن برجام است که در بالا به آن پرداخته شد، به مهم‌ترین عناصر مرتبط با قاعده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای در متن پیوست «ب» قطعنامه به شرح ادامه اشاره می‌شود: در پیوست «ب» قطعنامه موسوم به بیانیه کشورهای ۵+۱، تعهد جدیدی جایگذاری شده است که قاعده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای را به رژیم‌های نوپدید و نرم حقوقی فراتر از سازوکارهای مورد تأیید برجام گره زده است. یکی از رژیم‌های موجد حقوق نرم، رژیم کنترل فناوری موشکی (MTCR) نام دارد. در بند ۳ این بیانیه آمده است که هیچ فعالیتی مرتبط با موشک‌های بالستیک طراحی شده با قابلیت حمل تسلیحات هسته‌ای صورت ندهد، تا زمان ۸ سال پس از "روز پذیرش برجام" و یا تا زمانی که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گزارشی ارائه دهد که «نتیجه‌گیری گسترده‌تر» را تأیید کند. همچنین، ایران متعهد می‌شود تا از چنین اقدامی برای توسعه سامانه‌های شلیک سلاح‌های هسته‌ای استفاده نکند. به‌علاوه اینکه تأمین، فروش یا انتقال مستقیم یا غیرمستقیم تمامی اقلام، مواد، تجهیزات، کالاها و فناوری‌های برشمرد شده در (S/2015/546) [جدیدترین فهرست رژیم کنترل فناوری موشکی] در قالب قطعنامه ۲۲۳۱<sup>۱</sup> و هر گونه اقلام، مواد، تجهیزات، کالاها و فناوری‌هایی که این کشورها تصمیم بگیرند که می‌تواند برای تولید هر گونه سامانه شلیک تسلیحات هسته‌ای استفاده شود، ممنوع است. یکی از اهمیت‌های این عبارت پردازی، در متعهد کردن همه کشورهای از جمله ایران به این رژیم غیررسمی است که تا پیش از این فقط میان اعضای آن از اعتبار برخوردار بوده است و اینک در سندی با عنوان قطعنامه شورای امنیت وجاهت قانونی و الزام‌آور یافته است. از دیگر رژیم‌های غیرحقوقی «ابتکار امنیت اشاعه» (PSI)<sup>۲</sup> است که در ارتباط با ممنوعیت حمل و نقل تسلیحات کشتار جمعی و مواد مربوطه از جمله فناوری‌های مرتبط با رژیم مرتبط با موشک مذکور، البته بدون ذکر نام ولی با محتوای آن در بند «ب» ماده ۶ پیوست «ب» آمده است.<sup>۴</sup> محدودیت‌های حقوقی و غیرحقوقی در کنار تضيیقات فنی در خصوص غنی‌سازی اورانیوم، آب سنگین از معدن کاری تا پسمانداری سوخت مصرف‌شده، اساساً نظام راستی‌آزمایی بین‌المللی قوی‌تری در برابر ایران قرار داده است. به این ترتیب، سطح و دامنه حقوق و تعهدات ایران نسبت به قاعده موردنظر افزایش یافته است.

1. Missile Technology Control Regime.

۲. رژیم کنترل فناوری موشکی با مشخصه S/2015/546 در بند «الف» ماده ۴ پیوست «ب» قطعنامه ۲۲۳۱ آمده است.

3. Proliferation Security Initiative.

۴. این سه رژیم نوپدید (NSG, MTCR, PSI) را می‌توان حقوق نرم حوزه امنیت بین‌الملل نامید.

## توافق هسته‌ای ایران و تحول منع گسترش تسلیحات هسته‌ای

پیش از ورود به بحث اصلی، توجه به دو نکته زیر ضروری به نظر می‌رسد؛ نخست اینکه در بررسی قلمرو قاعده مذکور در اسناد موسوم به توافق هسته‌ای، این نتیجه مشاهده شد که اراده و مواضع اعلامی ایران و گروه کشورهای ۵+۱ و همچنین اعضای شورای امنیت ملل متحد، بر این امر مستقر شده است که «اصول بنیادین حقوق بین‌الملل و حقوق و تعهدات معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای و سایر اسناد مربوطه و همچنین اصول و رویه شناخته‌شده بین‌المللی» (بند ۱۱ مقدمه و مقررات کلی برجام) مورد خدشه واقع نشود. این عبارت در برجام در چارچوب قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت هم تأیید و تصویب شده است. نکته دوم در گزاره نخست بند یاد شده است که جای تأمل بسیار از نظر ارتباط آن با قاعده مورد نظر دارد. در آغاز این بند آمده است: «کلیه مفاد و اقدامات مندرج در این برجام صرفاً برای اجرای آن میان گروه کشورهای ۵+۱ و ایران می‌باشد و نمی‌بایست به منزله ایجاد رویه برای هیچ دولت دیگری...» از ترکیب دو نکته مذکور می‌توان نتیجه‌گیری کرد که تأثیر حقوقی از سوی قاعده بر توافق هسته‌ای به‌طور یکطرفه در جریان است، زیرا اراده مکشوفه طرفین توافق و مواضع سیاسی آنها بر چنین تأثیری مبتنا یافته است. بنابراین، با چنین فرضی، ایجاد و تولید رویه جدید در برجام اساساً منتفی می‌شود. با وجود این، در عمل، رژیم منع گسترش هسته‌ای از یک سو، همواره متأثر از رویه و عملکرد دولت‌ها به‌ویژه در مواجهه با رژیم‌های نوپدیدمانند گروه عرضه‌کنندگان هسته‌ای و اجلاس‌های مقدماتی و بازنگری معاهده منع گسترش هسته‌ای و سایر تحولات حقوقی بوده است و از سوی دیگر، نافی ایجاد تفسیر بدیع نیست. در ضمن، موضوع «رویه بعدی» یا «معاهدات در گذر زمان» که برای نخستین بار در قالب ماده ۵۶ مباحث مرتبط با «اجرای معاهدات در طرح مقدماتی سوم والداک» گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بین‌الملل با عنوان حقوق Inter-Temporal و آنچه در نهایت در قالب ماده ۳۱ عهدنامه وین ۱۹۶۹ مورد توافق قرار گرفت، این است که رویه بعدی بر اصلاح یا تغییر مفاد قراردادی تأثیر نمی‌گذارد، ولی بر تفسیر حقوق و تعهدات قراردادی تأثیر می‌گذارد.<sup>۱</sup> این تأثیر ناشی از توافق یا رویه مؤخر وفق پیش‌نویس مصوبه ۲۰۱۶ کمیسیون حقوق بین‌الملل در صورتی نافذ است که به‌واسطه «ابزار معتبر تفسیر»، «امکان انتساب آن به یک طرف معاهده وفق حقوق بین‌الملل»، «شناسایی غیراتفاقی بودن آن توافق یا رویه مؤخر (امکان ایجاد ترتیبات عملی را داشته باشد)»<sup>۲</sup>، «احتمال تأثیر آن بر توافق یا رویه مؤخر»، «تعیین میزانی از احتمال تأثیر

۱. وفق ماده ۸ معاهده منع گسترش هسته‌ای، اصلاحات وارده بر معاهده با اکثریت آرا کلیه طرف‌ها از جمله آرای کلیه دولت‌های برخوردار از تسلیحات هسته‌ای و ... انجام می‌گیرد.

2. Modus Vivendi.

تفسیر بر حوزه‌ای از اعمال اختیارات معاهده»، «تفسیر اصطلاحات معاهده در گذر زمان»، «وزن توافق یا رویه مؤخر برای تکرار شونده‌گی و توافق طرفین برای تفسیر یک معاهده و...» احراز گردد. علی‌ای حال، با توجه با انتزاعی و احتمالی بودن شاخص‌های مطروحه، امکان احراز همزمان آنها دشوار به نظر می‌رسد، لیکن به نظر نگارنده هر قاعده حقوقی می‌تواند در معرض تأثیر ناشی از تصویب اجماعی قطعنامه شورای امنیت به مثابه «تفسیر جمعی» قرار گیرد. مع الوصف، منافع و آسیب‌های عام و خاص آن برای ایران و نظام حقوق بین‌الملل هسته‌ای از جمله برای قاعده بنیادین منع گسترش تسلیحات هسته‌ای در حوزه‌های زیر قابل احصاست:

۱. منافع عام و خاص توافق هسته‌ای ایران برای نظام حقوق بین‌الملل هسته‌ای:

۱.۱. اهم منافع عام:

- ارائه راه‌حل مسالمت‌آمیز حقوقی در خصوص برنامه هسته‌ای ایران؛
- تقلیل سطح انحصار تجارت هسته‌ای از جمله در اقلام قسمت اول گروه عرضه‌کنندگان هسته‌ای (Infrcic Part1) دست‌کم برای ایران؛
- نمایش انعطاف‌پذیری و پاسخگویی نظام حقوق بین‌الملل هسته‌ای و ارائه الگو و مدل توافق برای پرونده‌های مشابه (کره شمالی، پاکستان، هندوستان و...);
- رفع دغدغه جامعه بین‌المللی و تمرکز بر سایر حوزه‌های هسته‌ای از جمله ایمنی و امنیت؛
- جلب اعتماد نسبت به سازوکار نظام راستی‌آزمایی و کاهش سوءظن به نقش و ساختار آژانس؛
- ارائه تفسیر جدید از الزامات نظام بین‌المللی راستی‌آزمایی؛
- افزایش اعتبار و تراز نظام حقوق بین‌الملل هسته‌ای و جلوگیری از زوال تدریجی آن؛
- ارائه تفسیر و رویه جدید مورد تأیید شورای امنیت ملل متحد و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی؛

۱.۲. اهم منافع خاص:

- اعمال و تسری نظام راستی‌آزمایی به استحصال کنسانتره سنگ معدن اورانیوم به مدت ۲۵ سال؛
- پذیرش غنی‌سازی اورانیوم در سطح ۳/۶۷ به مدت ۱۵ سال (در سایت نطنز)؛
- نگهداری ۳۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده (به مدت ۱۵ سال در سایت نطنز)؛
- پذیرش ۵۰۶۰ سانتریفیوژ غنی‌سازی فعال (در نطنز)؛
- انباشت ماشین‌های سانتریفیوژ به تعداد ۵۰۰ عدد؛
- توسعه محدود سانتریفیوژهای نسل‌های جدید در بازه زمانی مورد توافق (۱۵ سال)؛
- پذیرش تولید پلوتونیوم غیرتسلیحاتی سایت تحقیقاتی اراک؛

- تولید چاشنی‌های انفجار چندنقطه‌ای در موارد کاربرد غیرنظامی؛
  - تولید ایزوتوپ‌های پایدار به مدت ۱۵ سال (در مرکز فردو)؛
  - ساخت راکتور آب سبک و آب سنگین با ظرفیت ۹۰ تن در سال با طراحی مفهومی؛
  - عادی‌سازی تعامل فنی ایران و با نهادهای همتراز و متناظر بین‌المللی.
۲. آسیب‌های عام:

۲. ۱. آسیب‌های عام توافق هسته‌ای ایران برای قاعده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای:
- ارائه الگو و رویه نامناسب و غیر قابل‌مهار از حیث راستی‌آزمایی؛
  - افزایش انگیزه برای عدم پایبندی کشورها به الزامات حقوق بین‌الملل هسته‌ای؛
  - ایجاد تزلزل در دیوار مستحکم منع گسترش افقی تسلیحات هسته‌ای؛
  - کاهش امید به ایجاد منطقه عاری از تسلیحات هسته‌ای در خاورمیانه؛
  - افزایش هزینه بازرسی و ضریب خطا راستی‌آزمایی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی؛
  - ایجاد رویه و استاندارد دوگانه در برخورداری از چرخه کامل سوخت هسته‌ای؛
  - ایجاد رقابت‌های ناسالم در کسب توانمندی‌های مشابه برنامه هسته‌ای ایران (قرارداد هسته‌ای عربستان با چین، برنامه‌های هسته‌ای مصر، امارات متحده عربی، قطر و ...)
  - افزایش کشورهای غنی‌کننده اورانیوم از ۱۱ به ۱۲ کشور و فعال شدن شرط کامل‌الوداد در قرارداد هسته‌ای آمریکا و امارات متحده عربی برای توسعه وضعیت ناشی از توافق ایران.

۲. ۲. آسیب‌ها و محدودیت‌های خاص:

- تولید و نگهداری مواد غنی‌شده هسته‌ای (۳۰۰ کیلوگرم) و سطح غنی‌سازی اورانیوم (۳/۶۷)؛
- فعالیت ماشین سانتریفیوژ (۵۰۶۰ سانتریفیوژ) و ذخیره ماشین سانتریفیوژ تا ۵۰۰ عدد؛
- تحقیق و توسعه در خصوص ماشین‌های نسل جدید سانتریفیوژ؛
- روش غنی‌سازی و به‌خصوص ممنوعیت غنی‌سازی لیزری؛
- ممنوعیت در تولید نپتونیم ۲۳۷ و پلوتونیوم با غنای بالای متناسب تسلیحات هسته‌ای؛
- ممنوعیت در تولید و نگهداری آب سنگین بیش از ۲۰ کیلووات و ۹۰ تن؛
- ممنوعیت در تولید شبیه‌سازی‌های رایانه‌ای آزمایش تسلیحات هسته‌ای.

علی‌ای‌حال، اگرچه منافع و آسیب‌های وارد بر نظام حقوق بین‌الملل هسته‌ای و ایران از رهگذر توافق هسته‌ای ایران (برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت) به شرح مذکور احصا شده است، لیکن، واقع امر این است که برخی از وجوه توافق هسته‌ای ایران در زمینه توسعه شاخص‌های مذکور، می‌تواند همزمان منفعت و آسیب برای جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌الملل

هسته‌ای به حساب آید. مع الوصف، حقوق و تعهدات هر قاعده‌ای از رهگذر یک توافق مؤخر مانند برجام به مثابه تفسیر ناشی از توافق حقوقی خاص، همچنین تأیید به اتفاق آرای آن در قطعنامه شورای امنیت ملل متحد در حکم تأیید تفسیر آن، قابل توصیف است. در ضمن تأیید ضمنی فرایند و توافق یادشده از سوی آژانس مذکور مؤید پذیرش تفسیر مورد بحث تلقی می‌شود. شایان ذکر است، چنین تفسیری (تفسیر جمعی) نوعاً از حیث سیاسی مهم است، زیرا ناشی از رضایت دو طرف ذی‌نفع می‌باشد، اما از حیث حقوقی ضمن آنکه تنها طرف‌هایی را متعهد و ملتزم می‌کند که آن را پذیرفته‌اند، برای سایر طرف‌های معاهده مشکلاتی پیش می‌آورد که کمابیش همان مشکلات ناشی از تفسیر یکجانبه است (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۸: ۱۶۰). با این حال، برجام با تأیید شورای امنیت، تأثیری فراتر از تفسیر ذی‌نفعان و تفسیر جمعی محدود و محدود ابتننا کرده است.

## نتیجه‌گیری

بن‌بست در برنامه‌های هسته‌ای کشورهای لیبی، عراق، کره شمالی و ... و عدم حصول اجماع در دوره‌های اخیر کنفرانس‌های مقدماتی و بازنگری معاهده منع گسترش هسته‌ای، شایعه‌ها و شائبه‌هایی بی‌پایانی را در خصوص ناکارآمدی و زوال نظام حقوق بین‌الملل هسته‌ای و ارکان اساسی آن از جمله آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و معاهده منع گسترش هسته‌ای ایجاد کرده است. با این رویکرد، این توافق با وجود محدودیت‌های اساسی که در مسیر افزایش تعهدات قاعده از طریق تفسیر داشته، شائبه‌هایی مذکور را کمرنگ کرده است. از این رو، گفته می‌شود که به‌طور کلی توافق کامل با ایران خبر خوبی برای رژیم منع گسترش است. این توافق به برخی کشور اطمینان می‌دهد که این رژیم مؤثر است و می‌توانند برای تقویت پادمان‌های آژانس انرژی اتمی در آن مشارکت کنند؛ پیام مهم توافق (ایران) به جامعه بین‌المللی: رژیم منع گسترش آشفته است اما کار می‌کند (Kaplou & Gibbons, 2015: 2-3). نتیجه اینکه تفسیر حقوق و تعهدات قاعده مذکور از دیدگاه کشورهای ۵+۱ و ایران و شورای امنیت در خلال انعقاد توافق مذکور بالمال و بالمره اعمال شد، لیکن تأثیر رویه‌ای ناشی از توافق مذکور (وفق بند ۱۱ مقدمه و مقررات عمومی) برای کشورهای ثالث ممنوع قلمداد شده است. این در حالی است که هر قاعده حقوقی در معرض تأثیر و تفسیر توافق مؤخر با عنوان «توافق حقوقی خاص» (مانند برجام) یا تصویب به اتفاق آرای آن در قطعنامه شورای امنیت ملل متحد، به مثابه «تأیید تفسیر»، قرار دارد. در این صورت، تفسیر شاخص‌های قاعده در سه حوزه مجزا محسوس بوده است؛ یک در حوزه فنی که برخی از مهم‌ترین تفاسیر در کمیت و کیفیت آن واقع شده است. از جمله مهم‌ترین آنها در حوزه مسائل فنی؛ وضع محدودیت‌ها و شناسایی حق غنی‌سازی، آب

سنگین و در کل چرخه سوخت هسته‌ای است. دومین حوزه متأثر از توافق، نظام حقوق بین‌الملل هسته‌ای است که پذیرش پروتکل الحاقی و کد اصلاحی ۳/۱ از ترتیبات فرعی در تکمیل نظام راستی‌آزمایی و مقوم قاعده است. حوزه سوم که نوآوری در آن مثال‌زدنی ارزیابی می‌شود، پذیرش و اجرای حقوق و تعهدات نرم حقوقی مندرج در رژیم‌های غیرحقوقی گروه عرضه‌کنندگان هسته‌ای، رژیم کنترل فناوری‌های موشک و ابتکار امنیت اشاعه است. به هر حال، نفع درازمدت تأثیر تفسیر مذکور در تضمین تعادل در حقوق و تعهدات نظام حقوق بین‌الملل هسته‌ای از یک سو و آسیب آن نیز در گروه بی‌ثباتی، اعمال استاندارد دوگانه و تزلزل در نظام مذکور از جمله در ارتباط با قاعده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای از سوی دیگر است.

## منابع

### ۱. فارسی

#### الف) کتاب‌ها

۱. ابراهیم گل، علیرضا (۱۳۹۴). نیم‌نگاهی به روش‌شناسی حقوق بین‌الملل، تهران: خرسندی.
۲. بعیدی‌نژاد، حمید (۱۳۹۴). گام‌به‌گام با برج‌ام از آغاز تا فرجام، تهران: مخاطب.
۳. جونیر، دانیل (۱۳۹۴). تفسیر معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان. پی. تی)، ترجمه علیرضا ابراهیم گل و سیامک کریمی، تهران: خرسندی.
۴. ساعد، نادر (۱۳۸۷). گفتارهایی پیرامون ایران و حقوق بین‌الملل انرژی هسته‌ای، تهران: خرسندی.
۵. شاکر، محمد ابراهیم (۱۳۸۸). رژیم عدم گسترش هسته‌ای: مبادی و تحولات، ترجمه علیرضا ابراهیم گل و مهدی حاتمی، تهران: خرسندی.
۶. صابری انصاری، بهزاد (۱۳۹۴). معاهدات در گذر زمان، اصلاح معاهدات در اثر رویه بعدی دولت‌های عضو، تهران: شهر دانش.
۷. ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۸). حقوق معاهدات بین‌المللی، تهران: گنج دانش.
۸. موسی‌زاده، رضا (۱۳۷۹). سازمان‌های بین‌المللی، تهران: میزان.
۹. واثقی، محسن؛ کوزه‌گر، حسن (۱۳۹۳). حسن‌نیت در تفسیر معاهدات بین‌الملل، تهران: مجد.
۱۰. وجدی، مهدی (۱۳۹۲). بررسی حقوقی قطعنامه‌ها در مورد فعالیت‌های هسته‌ای ایران، تهران: جنگل.

## ب) مقالات

۱۱. سادات میدانی، سید حسین (۱۳۹۵). «اختلافات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با ایران در پرونده هسته‌ای از دیدگاه حقوق بین‌الملل»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، ش ۵۴، ص ۲۵۶-۲۱۹.
۱۲. فتاحی زفرقندی، علی (۱۳۹۴). گزارش پژوهشی: بررسی ابعاد حقوقی برجام در نظام حقوقی ایران، پژوهشکده شورای نگهبان.
۱۳. فلسفی، هدایت‌اله (۷۲-۱۳۷۱). «تفسیر و اجرای مقررات حقوق بین‌الملل»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، ش ۱۳ و ۱۴، ص ۹۸ - ۲۹.
۱۴. ----- (۷۴-۱۳۷۳)، «نابرابری دولت‌ها در قبول و اجرای معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای: تصورات و واقعیات»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، ش ۱۹ و ۱۸، ص ۴۰-۵.
۱۵. ملاکریمی، امید؛ جلالی، محمود (۱۳۹۶). «ماهیت برجام از منظر حقوق بین‌الملل»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۴۷، ش ۱، ص ۷۳-۵۱.

## ۲. انگلیسی

16. Joheson, R. (n.d.)(2000). *The NPT ReviewConference: "A Delicate, hard-won Compromise"*, Disarmament Diplomacy.uk: [www.acronym.org.uk](http://www.acronym.org.uk).
17. Joyner, D. H. (2013). "Iran's Nuclear Program and International Law", *Penn State Journal of Law & International Affairs*, 2013. vol 2 NO.2. P 282.
18. Kaplow, j. m., & Gibbons, r. d. (2015). "Implications For the Nuclear Nonproliferation"Regime.Rand(<http://www.rand.org/international/cmepp/the-days-after-a-deal-with-iran.html>), 2.
19. pilat, j. (2007). "Atoms for Peace: A future After Fifty Years?" Baltimore: Johns Hopkins University press: <https://www.wilsoncenter.org/book/atoms-for-peace-future-after-fifty-years>.
20. Stoiber, C. (2003). "The Evolution of NPT Review Conference final Documents", James Martin Center: <https://www.nonproliferation.org/wp-content/uploads/npr/103stoi.pdf>.